نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و چهارم - شماره ۹۶۹ دوشنبه بیست و پنجم مرداد ۱۴۰۰ - ۱۰۰۰ تومان

استان بوشهر در وضعیت قرمز خیلی پرخطر کرونایی

۸۶۵ بیمار در بخش‌های کرونایی بیمارستان‌های استان بوشهر بستری هستند

دبیرستاد مقابله با کرونا در استان بوشهر گفت: با بستری ۲۰۲ بیمار جدید شمار بیماران بستری در بخش‌های کرونایی بیمارستان‌های این استان به ۸۶۵ نفر رسید. به گزارش ایرنا، دکتر سعید کشمیری به رسانه‌ها اعلام کرد: از این شمار بیمار بستری ۶۴ نفر در بخش مراقبت‌های ویژه کرونایی بستری هستند که ۲۶ از آنها در وضعیت حاد این بیماری قرار دارند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر افزود: از ابتدای شیوع ویروس کرونا تاکنون ۷۵هزا رو ۳۹ نفر در این استان به ویروس کرونا مبتلا و یک هزار و ۶۲۱ نفر نیز به علت ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داده اند.

استان بوشهر در وضعیت قرمز خیلی پرخطر کرونایی قرار دارد.



ده توصیه یک پزشک برای کمک به گذر از بحران موج فعلی کرونا

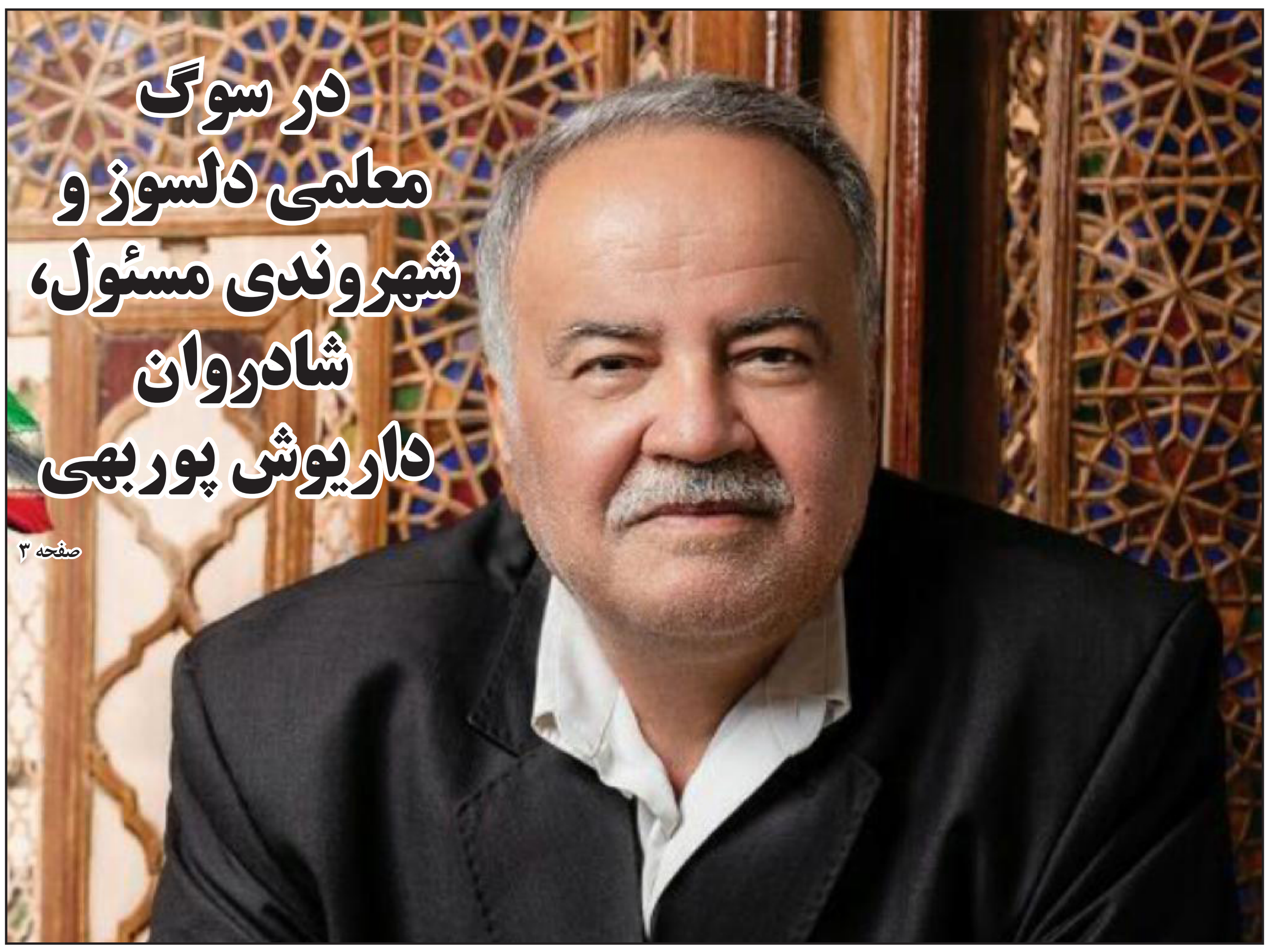
دکتر سیروس عباسی

صفحه ۴

پنج چالش اقتصادی دولت اصولگرای رییسی

دکتر عبدالرسول هاشمی

صفحه ۲

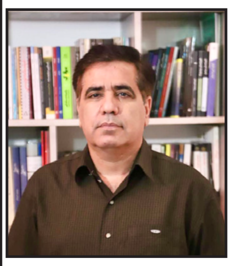


در سوگ معلمی دلسوز و شهروندی مسئول، شادروان داریوش پوربهی

صفحه ۳

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

چه لطفی دیده از ما غم؟!

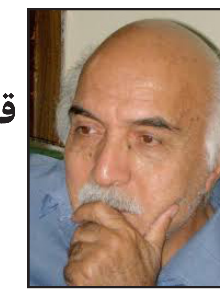


اخبار ناخوشایندی درباره سهل انگاری و معامله گری و بی توجهی خرید واکسن انبوه کرونا برای نجات مردم ایران در ماههای گذشته منتشر می شود و گرچه تنها گوشه کوچکی از پشت پرده های نخریدن به موقع واکسن کرونا نمایان شده، ولی نشان می دهد که عمق فاجعه به مراتب عمیق تر از آنچه هست که فکر می کردیم. نتیجه به موقع نرسیدن واکسن کرونا، برآورد مرگ ۱۹۰ هزار نفری هموطنان و عزیزانمان هست که داغ رفتن آنها تا همیشه بر دل خانواده ها باقی خواهد ماند. گرچه اکنون دیگر افسوس آنچه گذشت، دردی از ما دوا نمی کند و باعث زنده شدن هموطنانمان نمیشود، ولی می تواند تجربه تلخی باشد تا الان وارد کردن واکسن و واکسیناسیون عمومی اولویت اول دولت جدید باشد و دل به رونمایی روزانه از واکسن های داخلی نبندد و در حد همان توان کنونی، روی آنها حساب کند و دست خود را به سوی کشورهای دیگر برای دریافت کمک و گرفتن واکسن و دیگر داروها و تجهیزات مورد نیاز دراز کند و حفظ جان ایرانیان را بر حفظ شعارهای خیالی و افتخارهای کاذب، مقدم دارد. در این شرایط بحرانی کرونا که جان بسیاری را به مخاطره انداخته، تا اقدام دولت برای وارد کردن انبوه واکسن خارجی و واکسیناسیون عمومی، چاره ای نداریم جز این که خودمان نیز بطور کامل خطرات این وضعیت کرونایی را درک کرده و پروتکل های بهداشتی را بطور کامل رعایت کنیم و دیگران را نیز ملزم به رعایت آنها کنیم و فکر نکنیم که بیماری و مصیبت و داغ تنها برای دیگران هست و به سراغ ما نمی آید.

در این روزها یادم به شروه خوان بوشهری مرحوم حسین نجاتی می افتد که شب های چهارشنبه در رادیو نفت ملی آبادن با اندوه و افسوس می خوانده:

نمی دانم در این عالم چه لطفی دیده از ما غم
که بر هر کس رسد گیرد سراغ خانه ما را

۲



کرونا، قوطی بگیر و بنشان

حسین حشمتی

۴



به یاد شهید سلامت دکتر مرتضی نفیسی
چیزی بین خانه و مدرسه

عبدالخالق ماجدی

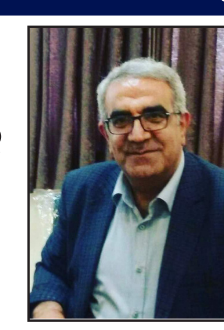
۴



خطر توتالیتری مجلس حداقلی برای جامعه حداکثری

دکتر سجاد بهزادی

۴



رئیسی، برجام و دو مقوله دیگر

دکتر سعید معدنی

تقدیر از بازنشستگان نمونه استانی توسط تامین اجتماعی استان بوشهر



به گزارش روابط عمومی تامین اجتماعی استان بوشهر؛ مراسم تقدیر از بازنشستگان نمونه استان بوشهر به مناسبت ۲۵ ذی الحجه روز خانواده با حضور مدیرکل تامین اجتماعی، مدیر درمان تامین اجتماعی، رئیس کانون کارگران بازنشسته، رئیس کانون هماهنگی شورای اسلامی کار، رئیس کانون کارکنان بازنشسته تامین اجتماعی و تعدادی از منتخبین بازنشسته استان بوشهر برگزار شد.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر در این مراسم با تقدیر از جایگاه بازنشستگان اظهار داشت: همایش روز خانواده و تکریم بازنشستگان یادآور تلاش و تکاپوی ارزنده و ارزشمند قشری فرهیخته و اندیشمند و صاحب تجربه و مهارت است که صادقانه و بی منت ۳۰ سال از بهترین سالهای عمر خود را در مسیر خدمت رسانی به هموطنان و همنوعان خود صرف کرده و همچنین با همت مضاعف و حمیت سازمانی در جهت توسعه ، پیشرفت و آبادانی کشورمان دستاوردهای گرانسنگ و افتخارات بزرگی به ارمغان آوردند.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: بازنشستگان از جمله افراد باتجربه، صاحب ذوق و مهارت، متخصص و توانمند و کارآزموده هستند که استفاده و بهره گیری از نیرو و تجارب گرانبهای آنها می تواند موجبات رونق اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار کشور را به همراه داشته باشد و از طرفی اشتغال آنها و یا فرزندانشان به فعالیت ها و کارهایی که خودشان به آن علاقه مند هستند می تواند باعث رضایت مندی بازنشستگان و خانواده آنان شود.

دیری عنوان کرد: در یکسال اخیر مجموع فعالیت ها و خدمات ارائه شده به جامعه هدف رضایت مندی بازنشستگان را به همراه داشته که در این زمینه توجه به وضعیت معیشتی بازنشستگان و اهتمام در افزایش حقوق آنان ، برگزاری تورهای زیارتی و سیاحتی، پرداخت وام به بازنشستگان با حمایت و مساعدت دولت، تعامل و همکاری با کانونهای بازنشستگی به منظور ایجاد بستری مناسب برای مشارکت هر چه بیشتر بازنشستگان در امور مربوط به خود ، برگزاری مراسم تجلیل و سپاس از بازنشستگان در روز خانواده و تکریم بازنشستگان (۲۵ ذی الحجه) و معرفی بازنشستگان نمونه در سطح ملّی از مهمترین اقداماتی است که سازمان تأمین اجتماعی با حمایت دولت و مساعدت مدیر عامل سازمان انجام داده است .

در این آیین از پنج بازنشسته برتر و همچنین ۱۰ بازنشسته همراه با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی تجلیل و یک نفر نیز به عنوان نامزد کسب عنوان بازنشسته نمونه کشوری معرفی شد.

آغاز فعالیت شورای شهر بوشهر

شورای اسلامی شهر بوشهر روز یکشنبه با برگزاری مراسم تحلیف و انتخاب سرپرست شهرداری این بندر، به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.

به گزارش ایرنا، در این نشست که به میزبانی فرمانداری بوشهر برگزار شد، انتخابات هیات رئیسه نیز انجام و جعفر پورکبگانی و شهناز پولادی به ترتیب به عنوان رئیس و نائب رئیس و وحید نیک روش نیز به عنوان منشی شورای اسلامی این شهر انتخاب شدند.

همچنین اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر در نشستی دیگر "عبدالله کردگار" را به عنوان سرپرست شهراری این بندر معرفی کردند.

جعفر پورکبگانی، حمیده خاتون هلال بحر، شهناز پولادی، عبدالخالق برزگرزاده، حمید پورحیدر، پروین خوشبخت، ایمان زندی نیا، وحید نیک روش و و خدیجه گرشاسبی ۹ عضو شورای شهر بوشهر در دوره ششم هستند.

رد صلاحیت ۲ نفر از منتخبان شورای شهر بوشهر باعث شد فرایند تحلیف اعضای این شورا با تاخیر مواجه شود.



یازدهمین شهید مدافع سلامت استان بوشهر



یازدهمین شهید مدافع سلامت استان بوشهر در جبهه مبارزه با کرونا در بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در میان حزن و اندوه همکاران و دوستان و نزدیکانش تشییع شد.

نصرالله ماهینی ۵۲ ساله از زحمت کشان کادر درمان در بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر بود که پس از مدتی بیماری و دست و پنجه نرم کردن با این ویروس منحوس آسمانی شد و پیکر پاکش از محل خدمتش در بیمارستان شهدای خلیج فارس تا گلزار شهدا بوشهر تشییع و تدفین شد.

شناسنامه فوتبال خورموج آسمانی شد

محمود آرامش





خبر تلخ بود و ناگوار، حاج غلامرضا منفرد پدر معنوی فوتبال شهرستان دشتی و شاید به نوعی استان بوشهر، سه شنبه نوزدهم مرداد ماه هزار و چهارصد پرواز کرد تا خود را به همسرش مرحوم خیری خواجه خورموجی، مادر معنوی فوتبال ما برساند! و چه زیباست این وصال.

اگر نام ایرانجوان بر تارک فوتبال دشتی با عزت و احترام می درخشد، بدون شک نام حاج غلام عزیز و همسر ایشان پیوند عجیبی بر این تلالو دارد.

در این چند دهه اخیر حاج غلام منفرد عزیز از همراهی خانواده خود برخوردار بود تا نام پر آوازه ایرانجوان پا برجا و استوار باقی بماند و تقریبا همه دوستانی که از نزدیک با او و خانواده اش و خانواده اصلی ایشان، ایرانجوان آشنایی داشتند می‌توانند گواهی دهند.

حاج غلام عزیز من هرگز الطاف و خدمات ارزنده و بی شائبه و بی منت و چشم داشت به فوتبال، این عشق ابدی را فراموش نمی کنم. بدرود پهلوان واقعی!

شهرستان دشتی و ورزش استان بوشهر، به داشتن ات افتخار می کرد!

حاج غلام می گفت: من هرگز مربی تیم خود را اخراج نمی کنم و این خارج از یک ادعا بود، چون در سالی که بنده افتخار هدایت باشگاه ایرانجوان خورموج را عهده دار بودم و درحالی که تیم خوبی هم داشتیم، پس از چند نتیجه ضعیف درخواست استعفا دادم و این نیک اندیش و بزرگ مرد گفت که مربی ایرانجوان فصل را به پایان می رساند.

آری فوتبال دشتی به واقع یتیم شد! و آن خانه ی با صفای همیشه ماوای بازیکنان، که به وقت دلتنگی آن جا بودند دیگر به خاطره تبدیل شد.

خاطراتی به شیرینی عشقی عمیق بین ایرانجوان و منفرد پیر شده در راه عشق ابدی و جاودانه که چه زیبا به انتها رسید. یاد دارم روزی را که در یک بازی حساس لیگ استان، این مرد بزرگ منزل خود را در اختیار تیم رقیب ما قرار داده بود و پذیرایی از آن ها را نیز به عهده گرفت.این است رسم جوانمردی و فتوت. روحت شاد و یادت مانا باشد.

کاش قدر داشته هایمان را بیشتر بدانیم و تا زنده هستند از ایشان تجلیل و تکریم می کردیم.

حاج غلام به گردن فوتبال خورموج حق زیادی داشت، خورموج به داشتن چنین گنجینه ی افتخار می‌کرد مرد بزرگ ! ممنون بابت همه زحماتی که کشیدی، حقت حلال باد.

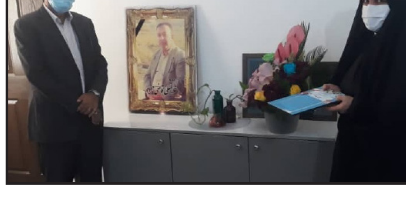
با تقدیم تسلیت مجدد خدمت خانواده معظم منفرد، فوتبال خورموج و ورزش استان بوشهر.

نسیم جنوب ۲
اجتماعی
شماره ۹۶۹ دو شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

تجلیل مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر از خانواده خبرنگار فقید بوشهری

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر روز یکشنبه به مناسبت ۱۷ مرداد روز خبرنگار ضمن دیدار با خانواده زنده یاد غلامعلی قاضی زاده به مقام شامخ این خبرنگار فقید ادای احترام کرد.

به گزارش روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر، عبدالحمید حمزه پور در دیدار با خانواده مدیرمسئول فقید هفته نام "چشم انداز جنوب" اظهار داشت: زنده



یاد قاضی زاده نمونه‌ای برجسته از خبرنگاران صادق و تلاش گر بود که در دوران حیات خود هر چه در توان داشت را در راستای خدمت صادقانه به مردم در طبق اخلاص گذاشت.

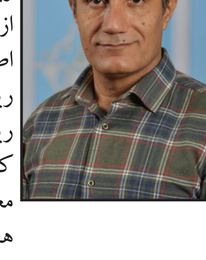
وی بیان کرد: این خبرنگار شایسته الگویی به تمام معنا برای خبرنگاران هم استانی است که فعالان این عرصه باید با تداوم راهش، یاد و خاطره اش را در اذهان زنده نگه دارند. حمزه‌پور اظهار داشت: مردمی بودن ویژگی برجسته این خبرنگار فقید بود و همین باعث شد تا شمار قابل توجهی از بوشهر در سوگ رفتنش داغدار شوند.

وی افزود: در این راستا ۱۷ مراد فرصتی برای یادآوری به خانواده عزیز مرحوم قاضی زاده است تا بدانند یاد و خاطره مردان نیک هیچ گاه از صفحه روزگار محو نخواهد شد.

حمزه‌پور اظهار داشت: بدون شک برخی از دستاوردهای شرکت آب و فاضلاب استان را باید مرهون اطلاع رسانی صادقانه آنها باشیم.

پنج چالش اقتصادی دولت اصولگرای رییسی

عبدالرسول هاشمی - دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصاد و توسعه



- همان‌گونه که انتظار می‌رفت سیزدهم دوره ریاست‌جمهوری ایران از آن طیف موسوم به اصولگرایان به ریاست رییسی رقم خورد. در دوران ریاست‌جمهوری روحانی که با عنوان دولت اعتدالگرا معرفی شد اصولگرایان همواره منتقد سیاست‌های دولت در زمینه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بودند و اتفاقا همین موارد می‌تواند پاشنه آشیل دولت اصولگرای رییسی در حوزه اقتصاد تلقی شود. در این جا به برخی از این چالش‌ها پرداخته می‌شود:

۱- محدودیت‌های اینترنتی و فضای مجازی

اصولگرایان همواره سیاست‌های دولت روحانی را در قبال فضای مجازی مورد نقد قرار داده‌اند و آن را موجب ولنگاری و بی‌بندوباری در سطح جامعه دانسته‌اند. حتی برخی آن را به سگ هار تشبیه کرده و به دلایل متعدد خواهان ایجاد محدودیت برای آن شده‌اند. در این دوران شبکه‌های مجازی مانند تلگرام فیلتر شدند؛ اما استقبال از این شبکه نه تنها متوقف نشد بلکه همچنان یکی از پرکاربردترین به شمار می‌رود. همچنین امروزه بسیاری از کسب وکارهای اینترنتی مبتنی بر اینستاگرام است که مخالفت زیادی با دسترسی آزاد به آن وجود داشته است.

بنابراین اگر فضای مجازی - آن طور که اصولگرایان منتقد آن بوده‌اند - محدودتر شود بسیاری از کسب و کارها که بر پایه اینترنت و حضور در این شبکه‌ها شکل گرفته به تعطیلی کشیده می‌شود. ضمن این که اعمال محدودیت البته به فیلترینگ منحصر نمی‌شود بلکه کاهش سرعت و پهنای باند اینترنت نیز می‌تواند به عنوان مانعی در سرعت ارتباطات آزاد عمل کند و بر مشاغل اینترنتی تاثیر گذار باشد.

۲- تاکید بر تولیدات داخلی و خوداتکایی و اهمیت ندادن به تجارت بین‌الملل

اصولگرایان همواره راه علاج اقتصاد کشور را رجوع به توانایی‌ها و پتانسیل‌های داخلی دانسته‌اند و از این که چشم به ورود شرکت‌های خارجی در عرصه‌های اقتصادی ایران باز شود با دیده شک و تردید نگریسته‌اند. اما باید گفت تاکید بیش از حد بر خودکفایی در تولید همه محصولات در داخل کشور در اقتصاد امروز دنیا جایگاهی ندارد. امروزه تجمیع همه توانایی‌های علمی و تکنولوژیکی در همه زمینه‌ها در یک کشور امکان‌پذیر نیست و کشورها از مزیت اقتصادی و فنی و علمی دیگر کشورها برای تکمیل چرخه تولید و شکوفایی اقتصادی خود استفاده می کنند. تاکید زیاد بر خودکفایی و اعمال محدودیت در رابطه اقتصادی با دیگر کشورها جایگاه اقتصادی ایران را در ابعاد جهانی تنزل می‌دهد و منجر به عقب‌ماندگی بیشتر می‌شود. دولت اصولگرای رییسی در مواجهه با این واقعیت برای موفقیت اقتصادی خود می‌تواند از سرمایه‌های خارجی استفاده کند یا با پافشاری بر موضع خود مسیر اقتصاد ایران را به یک حالت درون‌گرایی پیش ببرد. اما به نظر می‌رسد، موفقیت دولت به استفاده توأم از هر دو جنبه یعنی هم از پتانسیل‌های داخلی و هم جذب سرمایه‌ها و تکنولوژی‌های خارجی بستگی دارد.

۳- تنش‌زدایی در سیاست خارجی

اصولگرایان همواره در مقابل مواردی مانند مذاکره و اجرای سیاست تنش‌زدایی دولت در عرصه سیاست خارجی موضع گرفته‌اند. بسیاری از بخش‌های تندروتر گروه‌های منتسب به اصولگرا مذاکرات برجام را برنتافتند و همواره آن را مورد شدیدترین نقد و حملات قرار دادند. اما این واقعیت قابل کتمان نیست که هر گونه پیشرفت و توسعه اقتصادی تنها در سایه تنش‌زدایی سیاسی در روابط بین‌الملل اتفاق می‌افتد. در این خصوص باید گفت اقتصاد ایران تاکنون به‌شدت وابسته به خبر بوده است، طوری که با یک خبر سیاسی و حتی یک اظهارنظر مقامات سیاسی داخلی و خارجی نرخ ارز و به تبع آن کل اقتصاد ایران تحت تاثیر قرار گرفته است. در مجموع با یک اقتصاد به شدت سیاسی شده سر و کار داریم. اگر دولت اصولگرای رییسی بخواهد اقتصاد ایران را سر و سامان دهد چاره‌ای جز کاهش تنش‌های سیاسی هم در داخل و هم در خارج ندارد و چه بسا که برخی از ملازمات تنش‌زدایی با شعارهای اصولگرایی سازگار نباشد. در هر صورت انتخاب بین واقع‌گرایی با آرمانگرایی از چالش‌های دولت رییسی خواهد بود.

۴- رانت و فساد اقتصادی و اداری

همواره یکی از موارد ناکارآمدی مدیریت اقتصادی کشور رانت و فساد اقتصادی و اداری کشور عنوان شده و دخالت حداکثری دولت در اقتصاد با ضعف حقوق مالکیت خصوصی زمینه‌های بروز رانت را ایجاد کرده است. خصوصی‌سازی یکی از راه‌های کاهش رانت و فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی است. اما خصوصی‌سازی در ایران در فضای رقابتی و با رعایت اصول مالکیت خصوصی شکل نگرفته و در جریان خصوصی‌سازی نیز این دولت است که تصمیم‌گیرنده است و لذا در اینجا نیز رد پای رانت دیده می‌شود. اصطلاح خصولتی‌سازی خود نشان‌دهنده تاثیر رانت در فرآیند واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی است که در برخی مواقع به شکست شرکت‌های خصوصی و بازگشت آن ها به مالکیت دولتی منجر شده است که نمونه آن پروژه شرکت هفت تپه است. در این جا این سوال مطرح می‌شود که آیا دولت اصولگرای رییسی طبق معیارهای ارزشی خود می‌تواند نسبت به همه گروه‌های اجتماعی و سیاسی - اعم از این که جزو حامیان آن باشند یا نباشند - یکسان برخورد کند و همه را در مواهب اقتصادی یکسان شریک گرداند یا این که برخی گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای حامی در اولویت واقع می‌شوند و انواع رانت اعم از امتیازها و اطلاعات به آنها داده و همواره فربه‌تر می‌شوند؟ این مساله در بعد اقتصاد سیاسی اهمیت زیادی دارد و می‌تواند سهم برخی گروه‌ها را بیشتر کند و به نابرابری طبقانی در سطح جامعه دامن بزند.

۵- توزیع یا رشد (ناروشن بودن سیاست‌های توسعه و فقرزدایی)

این بحث اقتصادی قدمت زیادی داشته و مبتنی بر این سوال است که آیا دولت باید ابتدا توزیع ثروت را مدنظر قرار دهد یا رشد اقتصادی را؟ معتقدان به تقدم رشد بر توزیع می گویند ابتدا باید ثروتی خلق شود و به اصطلاح، کیکی باشد که بتوان آن را تقسیم کرد و در مقابل برخی معتقدان به اولویت توزیع می گویند در جریان رشد اقتصادی گروه‌های زیادی از مردم محروم زیر چرخ‌های توسعه له می‌شوند که این کار مغایر با اهداف آن است. بنابراین باید توزیع ثروت و رفاه مردم همواره مورد ملاحظه قرار بگیرد. با نگاهی به روند رشد اقتصادی کشور در ۱۰ سال اخیر درمی‌یابیم که اقتصاد ایران متاثر از فشارهای خارجی و تحریم‌ها نه تنها رشد مثبت و متناسبی را تجربه نکرده، بلکه سکون یا حتی رشد منفی داشته است. در این میان البته اقشار محروم جامعه آسیب‌پذیری مضاعفی را تجربه کرده‌اند و فقر گسترده‌تر شده است. جبران این عقب‌ماندگی کار آسانی نخواهد بود و سال‌های زیادی تلاش هماهنگ و سازماندهی شده همه بخش‌های اجرایی و قانونگذاری می‌طلبد که تازه به وضعیت ۱۰ سال قبل برگردیم. این در حالی است که برنامه دولت رییسی و سیاست‌های آن در قبال این مساله هنوز مدون و مشخص نیست و معلوم نیست با چه برنامه‌ای می‌خواهند جبران مافات کنند و اصولا مشخص نیست مقوله رفاه و توزیع در اولویت آنان هست یا خیر و اگر هست چگونه و در چه شرایطی می‌خواهد اتفاق افتد؟

- در مجموع توسعه و رشد اقتصادی کشور در سطح کلان و به تبع آن حل مشکلات معیشتی مردم مستلزم اصولی از جمله تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل و ثبات سیاسی در داخل، زیرساخت‌های اینترنتی مناسب، تجارت آزاد، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خارجی برای تولید و ارائه خدمات و شفافیت در توزیع امکانات و رانت‌ها، حفظ حقوق مالکیت و وجود بخش خصوصی مستقل و رقابتی است. با این وجود این سوال مطرح می‌شود که اصول توسعه اقتصادی و پیشرفت و فقرزدایی چه درجه اهمیت و جایگاهی برای دولت اصولگرای رییسی دارد و آیا او قادر است در این جهت با هماهنگی همه اجزای اداری و اقتصادی کشور و فراتر از شعارهای هیجانی و احساسی، مشارکت همه بخش‌های جامعه را در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جلب کند؟

کرونا، قوطی بگیر و بنشان

حسین حشمتی

در زمان قدیم ضرب المثلی در مورد کودکان داشتیم به این مضمون که مادران هر وقت کار داشتند و می خواستند بچه ها اذیتشان نکنند، می گفتند برو خونه خاله... و بگو قوطی بگیر و بنشان را بده، منظور از خاله... (خانم همسایه بود که احتمالا کار کمتری داشت) همسایه پس از شنیدن پیغام، بچه را می نشاند و با دادن مقداری نخودچی کشمش سرش را گرم می کرد تا مادرش بیاید ببردش، حالاحکایت ملت و کروناست، بیش از یک سال است که ویروس منحوس کرونا به انضمام سایر کالاها از کشور "نقاش چین" به کشورما، صادر شده است و بهانه ی موثری به دست مقامات داده، تا به فرمایش یکی ازعلمای طراز اول کشور سطح توقعات مردم را کاهش دهند و به مردم توصیه کنند در خانه بمانند، فایده در خانه ماندن این است که وقتی از خانه بیرون نیامدند خیابان ها کمتر شلوغ می شود و در نتیجه، نظم و امنیت از نظرنوامیس مردم تامین است، حالا اگر جوان ها و حتی کودکان از طریق اینترنت و گوشی همراه و چندین وسیله ی ارتباطی جدید با همدیگر تماس گرفتند آن دیگر مشکل والدینشان است.

اهالی شهرهای کوچک و روستاها نیز وقتی درخانه ماندند دیگر هوس داشتن پارکها و خیابان های پُر زرق وبرق، سوپر و هایپر مارکت های آن چنانی، سینما و تاترهای این چنینی و استخر و حمام سونا و.... نه که نخواهند، اما به زبان نمی آورند.

مردم وقتی در خانه ماندند دیگر فیلشان یاد هندوستان نمی کند و به اندک بهانه ای راه پیمایی راه نمی اندازند و صد البته مردم وقتی در خانه ماندند از تماس با همدیگر و گرفتار شدن به بیماری کرونا در امان می مانند و به این ترتیب بیمارستانها و مراکز درمانی شلوغ نمی شوند، کادر درمانی زحمت کش مملکت در اثر کار شبانه روزی، توانشان را از دست نمی دهند.

مردم وقتی در خانه ماندند به علت در امان بودن از ابتلا به کرونا عجله ای هم برای واکسینه شدن ندارند و تا تولید انبوه واکسن وطنی شکیبایی پیشه می سازند که گفته اند الصبرو مفتاح الفرج.

و از همه ی آن چه به رشته تحریر درآمد، مهم تر این که ریاست محترم جمهور جدید، هنوز کاملا مهام امور را دردست نگرفته و رای اعتمائ کابینه را از مجلس نگرفته، و لذا تا طی شدن مراحل و استقرار هیئت دولت جدید، وزیر بهداشت و درمانی هم فعلا وجود عینی ندارد تا مورد هجوم رسانه ها قرار گیرد و مجبورشود به هر قیمتی شده از چین و ماچین واکسن تهیه کند. حالا می ماند آن عده ای که از در خانه ماندن خسته شده اند و می خواهند مثل قدیما آزادانه در کوچه، خیابان به گردش و تفرج بپردازند، وضعیت آن عزیزان از دو حال خارج نیست، یا به هزینه شخصی واکسن زده اند که فی امان الله. مورد بعدی وجود چند میلیون متعاقدین صندوق های بازنشستگی متعدد و متنوع است که آنها دیگر نانشان توی روغن بوده چون به محض شیوع کرونا مدیران عامل خیر و دلسوز صندوقها، اعتبارات هنگفتی را برای خرید واکسن های خارجی تامین کردند و به انضمام لیست بازنشستگان عزیز به مدیران وزارت مربوطه تحویل دادند تا در اسرع وقت نسبت به واکسیناسیون این نور چشمان اقدام نمایند.

بقیه ملت هم اگر توان مالی خرید یک دوز چند میلیونی در بازار آزاد را ندارند می توانند با گرو گذاشتن خانه یا زمین و پیدا کردن آشنا، از بانک های مخصوص، وام با بهره های نازل بستانند و با خرید واکسن های خارجی و تزریق به موقع، روی کرونا را کم که هیچ بلکه نابود کنند و در پایان البته بر زعمای مُلک و ملت پوشیده نیست که آن چه فوقا به رشته تحریر درآمد بر سبیل مزاح بود ولاغیر...

یادنامه ای برای پدر کاریکلماتور ایران

پرویز شاپور در کاریکلماتورهایش زاده شد...

بهزاد هراتی



بی گمان یکی از اساسی ترین و در عین حال ساده ترین پل ارتباطی انسان ها با یکدیگر را واژگانی با بار معنایی ویژه ی خود شکل می دهند که از همبستگی و پیوند واژگان در کنار یکدیگر؛ جملاتی متولد می شوند که می توانند در برش های مختلف زمان بر بخش های گوناگون زندگی انسان ها فرمانروایی بی چون و چرا باشند.

در این میان انرژی های گوناگون و بیشماری دنیای واژگان را در برمی گیرند. گاه زمانی از ژرفای قلب واژگان؛ جمله هایی با مضمون و درونمایه ی عشق، دوست داشتن، امید به زندگی، صلح و آشتی و ... یا جمله هایی برخاسته از کینه و نفرت، شرارت، دشمنی، جنگ و ویرانی و ... زاییده می شوند.

در همین راستا دنیای ادبیات ایران؛ زبان شناسان و برجستگان بی شماری را به خود دیده که در زایش واژگان پارسی این سرزمین سهمی بسزا داشته اند.

در این میان یکی از نویسندگان و روزنامه نگاران این سرزمین با ابداع سبک و گونه ای نوین در ادبیات ایران نام خود را در میان دیگر برجستگان این وادی جای داد و نامش را پرآوازه ساخت.

" پرویز شاپور " مبتکر نوشته و نگارش های تک خطی با ظرافت ها و تیزنگری های شاعرانه و طنزگونه ای است که برای نخستین بار " احمد شاملو " در نشریه ی خوشه به عنوان سردبیر برآن نوشتارها نام " کاریکلماتور"



گذارد تا بدین گونه ادبیات ایران در مقطعی از زمان گونه ای متفاوت از اندیشه های پویای آن مرد را در دل خود ثبت کند و بدین گونه این واژه در 21 خردادماه 1346 خورشیدی متولد شد.

" کاریکلماتور "به گفته ی یکی از دوستان و همکاران شاپور " کاریکاتوری است که با کلمات نوشته می شود." اینگونه بود که "پرویز شاپور" در کاریکلماتورهایش زاده شد و سبب گردید سایه ی پررنگ همسرش؛ فروغ فرخزاد که بر زندگی هنری اش گسترده شده بود کنار رفته و با تابش اندیشه هایش، شخصیت ادبی مستقل و خودپایی را برای خود بنا نهد.

وی پس از جدایی از فروغ فرخزاد، توانست به وصال هنری خود رسیده و نام " پدر کاریکلماتور ایران " را برای خود در تاریخ ادبیات ایران ثبت کند.

سرانجام وی طی یک دوره بیماری؛ در روز پانزدهم امرداد ۱۳۷۸ پس از ۷۶ سال زندگی، رخت از این دنیای خاکی بربست تا یاد و نامش به همراه آثار برگزیده و نگریستنی اش همواره در ادبیات این سرزمین زنده و جاوید بماند.

تاثیرگذاری فضای مجازی در گرایش و پیشگیری خودزنی و خودکشی

دکتر عبدالصالح خزائی

خودکشی اقدامی است که طی فرایند آن فرد به صورت آگاهانه و خودخواسته به زندگی خود پایان می‌دهد و امروزه از بزرگترین آسیب‌های اجتماعی و یکی از سه علت اصلی مرگ و میر در افراد ۱۵ الی ۲۴ ساله است.

در کنار عوامل فردی مانند اختلالات روانی که شایعترین آن‌ها افسرگی است، بحران‌های خانوادگی و اقتصادی؛ لازم است به فضای مجازی که از علل اجتماعی در ترغیب افراد به خودکشی است بپردازیم.

در کنار کارکرد مثبت فضای مجازی مانند انتشار صحیح اخبار مربوط به خودکشی و توصیه های علمی و روانشناسی به عموم جامعه در ارتباط با پیشگیری از خودکشی و افزایش سواد رسانه‌ای باید به کارکرد منفی این عامل مهم بپردازیم.

کمبود ارتباط عاطفی، عدم برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت و روی هم رفته غفلت والدین از فرزندان زمینه ساز گرایش آنها به فضای مجازی و شبکه‌های مخرب می‌شود. توجه خاص و پرداختن رسانه ها و شبکه‌های مخرب به حوادث گوناگون جامعه مانند خودزنی و خودکشی باعث تحریک، بدآموزی و اقدام به خودزنی و خودکشی به منظور جلب توجه و یا گرفتن امتیاز در فرزندان می‌شود.

بیشترین سهم خودکشی، اختلافات خانوادگی و عدم ارتباط سالم بین اعضای خانواده می‌باشد و علت این مشکل را امروزه می‌توان در رابطه با فضای مجازی جستجو کرد که شامل عدم آگاهی کافی خانواده نسبت به فضای مجازی و دیگری غرق بودن خود والدین در فضای مجازی قلمداد کرد.

هنگامی که خانواده آشفته و هر یک از اعضای آن سازی جداگانه بزنند و هر کدام به نحوی درگیر فضای غبارآلود مجازی باشند و از سویی والدین در بحث تربیت سالم فرزندان غفلت ورزند هر گونه پیشایند ناگواری مانند خودزنی، خودکشی و دیگر آسیب‌های اجتماعی در مواجهه با ناکامی و ایجاد ناامیدی و یاس در اعضای خانواده انتظار می‌رود و قابل پیش بینی است.

همان طور که مطالعات علمی نشان داده‌اند افراد دچار اختلالات روانی که هیجانات منفی مانند استرس، اضطراب و افسردگی را تجربه می کنند برای مقابله با مشکلات‌شان تمایل بیشتری به استفاده از فضای مجازی نشان می‌دهند و یا عکس این قضیه می‌تواند اتفاق بیافتد. همچنین در فرایند مشاوره خانوادگی و بالینی مراجعین به کلنیک‌های مشاوره و روان‌شناسی و با بررسی کیس‌های ویژه اقدام به خودکشی و انجام مصاحبه بالینی با فرد اقدام کننده و اطرافیان وی، به اعتیاد به فضای مجازی، الگوگیری و تقلید از دیگران به خصوص از سلبریتی‌ها و شاخ‌های فضای مجازی اقرار داشته‌اند. و یا این که در بررسی پرونده‌های خانوادگی، خانم‌هایی که با همسران‌شان روابط سرد و خشک عاطفی داشته‌اند و یا به آن ها خیانت زناشویی شده است اقدام به خودزنی و یا خودکشی مانند خوردن بیش از حد قرص (مسمومیت دارویی) دیده می‌شود.



انتشار محتواهایی مانند تصاویر، کلیپ و آهنگ با مضمون و المان‌های خودزنی و خودکشی مانند دارزدن، رگ‌زدن، اسکلت و خون در تصاویر پروفایل پیام‌رسان‌های فضای مجازی، می‌تواند زمینه سازی و اشتهار خودزنی و خودکشی را در گروه‌های آسیب‌پذیر(رده‌های پایین و حساس سنی) فراهم کند و بر اتخاذ تصمیم، تردید و ترس آنها درباره این آسیب مهلک اثرات منفی داشته باشد و یا اینکه این اقدام روشی طبیعی برای حل مشکلات، دغدغه ها و درگیری‌های ذهنی آن ها باشد.

در برخی موارد افراد دارای افکار مشابه در مورد خودکشی از طریق شبکه های مجازی با یکدیگر آشنا شده و پس از بیان کردن احساسات شان و کمرنگ کردن ترسشان از مرگ، اقدام به خودکشی دسته جمعی نموده‌اند و خودکشی را به طور عادی جلوه داده و یا آن ها را تشویق به حملات خشونت آمیز و خودکشی می‌نمایند مانند بازی نهنگ آبی و چالش مومو در سالیان اخیر.

امروزه شبکه‌های اجتماعی در نوجوانانی که در خصوص مهارت‌های مقابله‌ای مانند تاب‌آوری، حل مسئله، تصمیم‌گیری و مدیریت هیجانات منفی مانند استرس ضعف دارند، موجب ایجاد احساس نارضایتی از زندگی، جامعه و عدم شادکامی آنها می‌شود. مقایسه زندگی خود و خانواده‌هایشان با دیگران در پیام‌رسان‌هایی مانند واتساپ، اینستاگرام و ... موجب احساس ضعف و یاس در آنها شده و با ایجاد حس اضطراب، ریشه امیدآفرینی را در آنها می‌خشکاند.

با توجه به درهم‌آمیختگی مرزهای سنت و مدرنیته در فضای مجازی و ایجاد سرگردانی‌ها و بحران هویت در سنین پایین، لازم است نقش سنت‌پروری خانواده‌ها پررنگ و تقویت گردد و والدین به جای رسانه‌های مجازی حلقه ارتباطی با فرزندان باشند.

در اینجا لازم می‌دانم چند نکته اساسی را در خصوص تاثیر گذاری فضای مجازی در پیشگیری از خودکشی اشاره کنم:

۱- لزوم ارتقاء سواد رسانه‌ای والدین و سطح آگاهی عمومی در مدیریت فضای مجازی و تاثیر سوء آن در رفتارهای پرخطر مانند خودکشی.

۲- والدین مترصد علائم هشدار مانند تحریک‌پذیری، گوشه گیری، مشغله فکری با مرگ و اعتیاد به فضای مجازی در فرزندان باشند و سعی کنند باب گفتگو را با نوجوان باز کنند و در صورت ضعف در ایجاد ارتباط از مشاور و روانشناس بهره گیرند.

۳- لازم است با توجه به یادگیری اجتماعی و تکرار برخی از آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی در یک منطقه خاص، مداخلاتی انجام شود تا افکار خودکشی در فضای واقعی و مجازی زندگی همشهریان از بین رود و تشدید نشود.

۴- با استناد به کتاب راهنمای «انعکاس خبر خودکشی در رسانه ها» توصیه می شود الف) از واژه‌های «خودکشی موفق» و «همه‌گیری خودکشی» خودداری شود. ب) از معرفی خودکشی به عنوان عملی قهرمانانه یا پاسخی قابل درک بر مسائل اجتماعی، فرهنگی و یا اقتصادی پرهیز شود.

۵- با توجه به ژرفای فضای مجازی و دسترسی نا محدود و غیر مجاز سنین پایین می‌طلبد اینترنت طبقه‌بندی شده برای گروه های سنی مختلف لخاظ گردد.

۶-لزوم آگاهی بخشی صحیح به عموم جامعه و عدم برخورداری محافظه کارانه با خودکشی و محرمانه کردن اطلاعات در زمینه خودکشی.



بولت چیست ؟

جواد غلام نژادجبری



جنس آن ازخیط و (نخ، کُش یاگُش) که از رنگهای متفاوتی بوده است،که استفاده می کردند یک وزنه ی سنگین مثل(سرب یا سنگ) به آن وصل بوده که هر بغل آن تقریبا (۱،۷۰سانتی متر) هر یک از این بغل ها رنگهای متفاوتی داشته اند، بولت در زمان قدیم حکم (عمق یاب) الان داشته و بسیار کاربردی و استفاده می شده، تمام کار ناخدا با بولت بوده ودر تمام مسیر ها ناخدا از این وسیله استفاده می کرده،که باید گفت حکم (چشم) جهاز بوده، به غیراز این که اندازه آب را با آن تشخیص می دادند نوع زمین زیر یا کف دریا (گسار، ماسه، شول، سفتی نرمی زمین) زیر جایی که شناورایستاده را مشخص وشناسایی می کرده اند.

و هنوز هم استفاده میشود ولی بیشتر در صیادی برای ریختن(تور و گرگور) برای این که جای مورد نظری که ناخدا در ذهن دارد برای صید مشخص کند. بولت در زبان اهل دریا به کنار ساحل یا دیواریه بین آب دریا و ساحل هم گفته می شود. مثال؛ می گویند کجا نشسته ای یاکجاهستی "کر بولت، کنارآب نشسته ام"، آب زیاد بزرگ (مد) باشد، می گویند "آب، زده بولت ".

طریقه بولت کردن؛ شناور جایی که ایستاده خیط بانخ که سرب یا سنگ به آن وصل است به آب انداخته تاجایی که به زمین میرسد چندباری آن را تکان داده تا مطمئن شود به کف دریا رسیده و از بالای یا لب آب خیط را گرفته و بغل می کند واگر آب تند باشد (سینه) جلوی شناور را روی جریان آب می گیرند و اگر طوفانی باشد (سینه) جلوی شناور را رو به موج می کنند.

نسیم جنوب
سوگنامه
شماره ۹۶۹ دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

در فراق یار

مسعود شکوهی

نشان یار سفر کرده از که جویم باز
که هرچه گفت برید صبا پریشان گفت



دوستی زنگ زد و خبر بهت‌آور درگذشت داریوش پوربهی را گفت. از لحظه‌ی شنیدن خبر چنان متأثر شده‌ام که تا الان دستم به قلم نرفته است، حتی در حد نوشتن تسلیتی کوتاه.

داریوش پوربهی را سالیانی طولانی است که می‌شناسم. از نظر سن و سال بزرگ و معلم من بود و من تا امروز احساس شاگرد بودن را نسبت به او داشته‌ام، هر چند این افتخار هیچگاه نصیبم نشده بود که به‌طور رسمی پای درس او بنشینم.

البته آشنایی و دوستی من با زنده‌یاد پوربهی به خصوص از وقتی که ما در شورای سوم بوشهر همکار شدیم، بیشتر و عمیق‌تر شد، به‌طوری که می‌توانم ادعا کنم که ما دو تن نزدیک‌ترین عضو شورا به هم بودیم. مواضع ما در شورا پیرامون مسائل و موضوعات مختلف همواره تا حدود زیادی به هم نزدیک بود و معمولاً در اعلام آرا و نظرات، ما دو تن روی رأی همدیگر حساب می‌کردیم.

شورای سوم به‌دلیل سیاست همزمان کردن انتخابات شورا و ریاست جمهوری، بیش از شش ساله به طول انجامید و این فرصتی بود برای عمیق شدن دوستی و ارتباط ما. این ارتباط هرچند میان همه‌ی اعضا به‌شکلی صادقانه و صمیمانه وجود داشت، اما اعتماد و اعتقاد من به آقای پوربهی دوچندان بود. زیرا ما پیش از ورود به شورا نیز در آموزش و پرورش سابقه‌ی همکاری و همفکری و رفاقت داشتیم.

در سه چهارسال نخست شورا، او رئیس کمیسیون عمران بود و من رئیس کمیسیون فرهنگی. این دو کمیسیون علی‌الظاهر دو مشی و مسیر جداگانه دارند اما داریوش پوربهی به‌دلیل علایق شدید فرهنگی و ادبی، در این زمینه نیز یار و یاور همراه من بود و من از ایده‌ها و راهنمایی‌های دلسوزانه‌اش بهره‌ها بردم.

در کمیسیون عمران نیز او نمونه‌ی یک انسان دلسوز و پی‌گیر بود. وجود او در این کمیسیون حساس، مایه‌ی آسایش خاطر همه‌ی ما بود چون او انسانی پاکدست و غیر قابل نفوذ بود و بر سر منافع و مصالح شهر، تعصب و ثبات قدمی عجیب داشت و اهل هیچ معامله و اغماضی نبود.

این‌ها از وجوه رسمی و اداری او بود. اما آن روانشاد در ساحت غیر رسمی زندگی نیز انسانی فوق‌العاده جذاب بود. قدرت ایجاد ارتباطش با دیگران مثال‌زدنی بود و به‌این دلیل که تقریباً در همه جای استان و محلات شهر بوشهر زندگی کرده بود، دوستان زیادی داشت و دلش از مصاحبت این دوستان، گنجینه‌ای از خاطرات بود و هر بار که به هر مناسبتی لب به ذکر یکی از این خاطرات می‌گشود، فضای مجلس و حتی جلسات رسمی را طراوت و لطافت می‌بخشید.

بعد از اتمام شورا و جدایی‌های حاصل از جبر زندگی و روزگار، اگر گاهی در ابراز ارادت من نسبت به او تأخیری می‌افتاد، او بود که بزرگوارانه پیش‌دستی می‌کرد و با تماس‌های محبت‌آمیزش تجدید عهد و خاطره‌ای می‌نمود.

آخرین‌بار همین چند وقت پیش بود که به‌قصد دیداری سر پایی و کوتاه به در منزلشان رفتم. اصرار کرد که برای پنج دقیقه هم که شده، داخل شوم. ما زیر درخت پرتقال حیاطشان نشستیم و از بس خوش گپ و گفت بود، پنج‌دقیقه شد دو ساعت و پنج‌دقیقه.

او از جمله انسان‌هایی بود که در خلال همین نقل و حدیث‌های دوستانه و ذکر خاطره و شعر و حکایت، تجربیاتش را سخاوتمندانه منتقل می‌کرد. در واقع، شناخت عمیقش از جای جای بوشهر و نیز شناختش از مردم بوشهر او را به انسانی سرشار از دانایی و تجربه تبدیل کرده بود.

مرگش در این روزها که حسرت از دست دادن دوستان و آشنایان از در و دیوار می‌بارد، زخمی عمیق بود. پس از تحمل فراق دوست عزیزم صدرالله محمدی باغملایی و بعد از داغ جانسوز خواهرم، کوچ ناگهانی و بهت‌آور داریوش عزیز، سومین زخم کاری بر دل این‌جانب بود. هرچند درد و داغ درگذشت هم‌نوعان، هموطنان و هم‌استانی‌ها، همشهری‌ها و همکاران دیگر در این دو سال پر مصیبت نیز هریک جان‌سوز و طاقت‌فرسا بوده است، اما کتمان نمی‌توان کرد که عمق برخی زخم‌ها و دردها بیشتر و جان‌گزاتر است.

یاد این عزیز را که در زمره نیکان روزگار و زادگاه و دیار ما بود، گرامی می‌دارم و به روان روشنش درود می‌فرستم و در ایام سوگواری سالار شهیدان برای روح بزرگش آرامش می‌طلبم و نیز به خانواده ارجمند مصیبت دیده‌اش به خصوص همسر و همراه همیشگی ایشان، همکار ارجمندم سرکار خانم جامعی و خواهر گرانقدرم خانم مهندس مهسا پوربهی صمیمانه تسلیت می گویم.

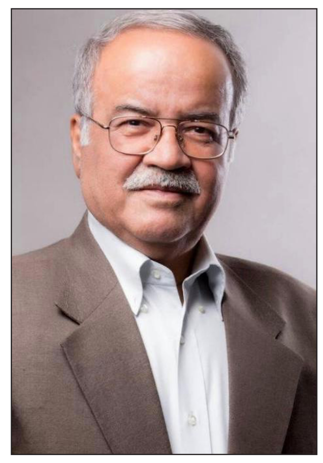
در سوگ معلمی دلسوز و شهروندی مسئول، شادروان داریوش پوربهی

یونس قیصی زاده : مرگ این روزها پشت در خانه هایمان به انتظار نشسته است، تا نوبت به رفتن کدامیک از ما رسد و شروه فراق سر گیرد.

افسوس که این روزها شاهد کوچ ابدی افرادی هستیم که یک عمر برای این مردمان زحمت کشیدند و اینک غریبانه به سوی خاک روانه می شوند.

شادروان داریوش پوربهی از جمله نیک نامان بندر بوشهر بود که سالها در کسوت معلمی در پرورش فرزندان این دیار کوشید، عشق و علاقه وی تا پایان عمر به مدرسه سعادت نشان می داد که بعد از بازنشستگی نیز هنوز گوشه مهمی از دلش را در حیاط مدرسه ای جای نهاده که چند دهه در آن درس خواند، معلم شد و مدیریت آن را بر عهده گرفت. هنگامی که ساکت در حیاط مدرسه سعادت می نشست گویی خاطرات خود را به یاد می آورد که روی نیمکت کلاس برای یاد گرفتن ریاضی و ادبیات نشسته است و نسیم خاطرات می آوردش به سالهایی که گچ در دست در پای تابلو ایستاده و فیزیک تدریس می کرد و همچنان سوار بر ابرهای خاطره می آمد به زمانی که به عنوان مدیر، زنگ شروع کلاس ها را می نواخت و دل نگران آینده صدها دانش آموزی بود که چون فرزند دوست شان داشت.

هنگام ذکر خاطرات از مدرسه سعادت، از چشمانش اشک جاری می شد و گویا هر اشکی حکایت جدایی و فراغ از معلم و همشاگردی و هم خدمتی وی در طول این سالها داشت. بزرگترین افتخار زندگی اش را خدمتگزاری مدرسه سعادت می دانست.



بعدها که با رای مردم وارد شورای بندر بوشهر شد، میدانی وسیع تر برای خدمت به مردم پیدا کرد، «یا علی» گفت و بدون حاشیه و در کمال سلامت نفس و پاکدستی، شبانه روز کمر همت بست در خدمت به شهری که چون گوهری ناب دوستش می داشت.

دلسوزی و جدیتی که در مدت عضویت وی در شورا برای رفع مشکلات مردم از وی دیدیم مثال زدنی است بطوری که گره گشای مشکلات مردم بود.

آخرین بار ایام انتخابات شورا بود که به دفتر نسیم جنوب آمد، با تصور این که در خصوص همین مورد تشریف آورده، دیدم که در آن روزها هم به دنبال باز کردن گره از مشکل یکی از شهروندان هست که قصد خدمتی فرهنگی در این شهر دارد.

افسوس که کرونا مهلت نداد تا شاهد ادامه حضور موثر وی در بندر بوشهر باشیم، اما آنچه از وی به یادگار مانده جز خوبی و بزرگ منشی نیست که همین نیک نامی، مزد زحماتی است که چندین دهه برای فرهنگ و سپس آبادانی بوشهر کشید.

ستون خیمه شکست

در سوگ داریوش پوربهی داغدارم

شاهپور برغندان



این جمله "ستون خیمه شکست" بارها و بارها شنیده بودم اما معنا و مفهوم آن را به درستی درک نکرده بودم، اما این روزها از عمق وجودم و با تار و پود سلول‌های بدنم حس می کنم.

داریوش پوربهی به تمام معنا ستون خیمه دوستانی بود که با او همراه و همنشین بودند، شبی نبود که خانه او خالی از دوستان و همکاران باشد، شبی نبود که به دوستان زنگ نزند تا کنار او باشند، همیشه خیمه اش افراشته و خودش هم مثل ستونی بود که دوستان گرداگردش بودند.

"آری ستون خیمه شکست"

او ستون اردوهایی بود که با چه تلاشی ترتیب می داد، او تقریبا در جای جای این سرزمین (از خوزستان و فارس شهرکرد، مشهد، اصفهان و یزد و کرمان و کردستان و ...) خیمه اش افراشته بود و دوستان در کنارش،

"آری ستون خیمه شکست"

هر سال به رسم ادب و احترام به ماه مبارک رمضان، یک شب برای افطاری خیمه اش افراشته می کرد و دوستان برای افطاری دعوت می کرد، کم دوستانی نبودند که در این کار زحمت می کشیدند تا این مراسم به خوبی برگزار گردد همه به عشق مردانگی و کوچک نفسی او بود.

"آری ستون خیمه شکست"

سی و سه سال از عمر خود را در کنار مردی گذراندم که گذشت، عطوفت، مهربانی و پشتکارش مثال زدنی بود، شش ماهی بود که معاون دبیرستان سعادت شده بودم که یک روز آمد دفتر معاونت گفت می خواهند به من ابلاغ مدیریت دبیرستان سعادت بدهند، اگر بپذیرم هستی؟ گفتم چرا که نه،آمد و شدیم دو برادر سی و سه سال دوش به دوش هم دادیم و شب و روز نمی شناختیم سعادت را ماندگار کردیم، تلاش‌هایش برای دبیرستان سعادت بی وقفه بود، همه همکاران که با او کار کردند اذعان دارند که هیچ وقت او خود را به عنوان رئیس دبیرستان نمی دانست بلکه خود را یک خدمتگزار سعادت می دانست، همکاران نیز کنار او آرامش خاصی داشتند، همیشه کارهایش با مشورت پیش می برد، یادم ندارم در کاری از من مشورت نگیرد و نظر من جویا نشود، مرتب جلسه برگزار می کرد و نظر همکاران جویا می شد.

زمان مدیریتش در دبیرستان سعادت ساعت استراحت در دفتر دبیران حضور می یافت و مثل ستون خیمه همکاران گرداگردش گرد می آمدند.

" آری ستون خیمه شکست"

این روزها مرتب با هم بودیم چه نشست هایی که با هم داشتیم، چه روزهای خوش و ناخوشی که با هم گذراندیم.

سی و سه سال زندگی در کنارش چه برایم لذت بخش بود ، نمی دانم بعد از او چه خواهد شد.

اما همین می دانم که "ستون خیمه شکست" و کمر ما هم شکست .

برادران پوربهی، همسر و دختر آقای پوربهی، دوستان، همکاران، اقوام و آشنایان آقای پوربهی، همشهریان گرامی "ستون طایفه رفت"

روحت شاد و یادت گرامی.

اکنون کجا باید تو را سراغ گرفت

عبدالرزاق ریشهری زاده

مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت
خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت

داریوش برادرم، خبر دار شدم که سفر رفته ای، بی خبر، بی تدارک، بدون هماهنگی و مشورت و تعیین وقت و جلسه، این که رسم تو نبود، چگونه شد که ترک عادت کردی، تو که اینچنین نبودی، محور بودی مرکز ثقل دوستان در جمع یاران و مدیر بودی، همیشه شادی تو درگرو شاد بودن دوستان و همکاران و بازنشستگان و مردم بوشهر می بود.

تو که گفتی من ریشه در خاک دارم، چه شد که ترک دیار کردی، چه شد که رفتی، این غم هجران را به که بگویم، از چه دل بریدی که غمی این چنین بر دل دوستانت بنشاندی، بگو به کدام دیار رفتی، کجا به دنبالت باید گشت، ما با هم بسی سفر کرده بودیم از درون استان تا برون استان، از خراسان تا خوزستان،کرمان و یزد و سرعین ..... استانبول، بیروت و دمشق، ارمنستان.

اکنون کجا باید تو را سراغ گرفت،کجایی مرد! کجایی که انجمن فیزیک بی تو واگرا شد.

انجمن نجوم بی توستاره تابانش خاموش شد. دبیرستان سعادت بی تو بی پدر شد و دیگرچه کسی



برای بوشهرم چون تو دل بسوزاند و غصه نقصان ها را بخورد و بدنبال چاره باشد. دیگر چه کسی سنگ صبور دوستان باشد، کدامین مرد یابم که تا ساعت ۳ صبح بدنبال تدارک کنفرانس نجومی گذر زهره در مقابل خورشید و تهیه انجام کار باشد.

ای مردی که مرامت مردم داری، مدار، دوستی، فرهنگ پروری، مسلک وخصلتت مهمان نوازی در خانه ات بر همه باز و سفره ات همیشه گشوده و همه وجودت عشق به بوشهر بود.

تو را چه بنامم؟ داریوش، برادر، همکار، همراه، همسفر، رفیق، رئیس که تو همه بودی اما بگذار بار دیگر هم بگوئیم «کوکای گتو». کی بی تو انجمن خرد را جمع می کند تا آوای شاهنامه خوانی طنین افکن گردد،کی افطاری رمضان را به پا می دارد و چگونه می توان پنداشت که در خانه ات بسته باشد و شب نشینان دلسوز شهر و آموزش پرورش به کجا تا نیمه شبان از دردها و کمبود ها به گفتمان نشینند.

تو ستون و تکیه گاهی بودی که ما را طاقت دوری ات نیست، اما چه کنیم که همیشه رضاییم به رضای خالق که اوست که جان می دهد و جان می گیرد. اما تو شتابان به سویش رفتی و یارانت را تنها گذاشتی.

در این فراغ و هجران اول به خودم و سپس به تمامی دوستان و نزدیکانت که بس فراوانند و به جامعه فرهنگی، دانش آموزانت و مردم شهر بوشهر برادران و بستگانت و خانواده محترم مخصوصا همسر گرامیشان خانم جامعی و دختر خانم محترمشان تسلیت و تعزیت عرض می کنم و در پایان دو بیتی از حافظ که اوهمیشه در ختم کلامش قرائت میکرد قدیم می دارم .

ساقی به نور باده برافروز جام ما
مطرب بگو کار جهان شد به کام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما

تجمع، قاتل جان مردم است

مهدی جهانبخشان : هموطنان عزیز، هم استانی های محترم.

اوضاع کرونایی، چه در سطح ملی و چه در سطح استان‌ها شهرستان ها بشدت بحرانی و مرگ زاست.

در سطح کشوری ابتلایان به کرونا هزار هزار و مرگ و میر به ششصد هفتصد نفر در روز رسیده است.

سرم و دارو و درمان توسط عده ای بی وجدان، احتکار شده و با قیمت گزاف به بازار عرضه می کنند. سرم ده هزارتومانی را به قیمت صدهزارتومان می فروشند. بیمارستان‌ها قادر به پذیرش بیمار نیستند.

کادر درمان به فرسودگی رسیده است.

دکتر کشمیری، از هنرمندان، علما، بزرگان شهر و دگر معتمدین خواسته که به مردم هشدار بدهند که کسی از خانه بیرون نیاید.

لذا دعوت به هر تجمعی یعنی قتل عام مردم بیگناه.

در کرمان با بیل مکانیکی، گور دسته جمعی برای بیماران کرونایی حفر می شود.

تجمع، قاتل جان مردم است. مانند هند که بی توجه به وخامت اوضاع در جشن بهارانه شرکت کردند و در عکس و اخبار متوجه می شوید چه بلایی بر سر مردم هند آمد.

کرونا می رود، بازهم دورهم جمع می شویم، سختی ها می گذرد بشرطی که الان پروتکل های بهداشتی راکاملا رعایت کنیم.به امید روزهای بهتر.

من اینجا ریشه در خاکم

مریم بوریایی



بدرود استاد عزیزم
نامت جاودانه است
چون استاد مدرسه عشق ورزی به زادگاهت بودی ...
نامت ماندگار است
چون در مکتب سعادت به همشهریانت درس مهرورزی آموختی...
نامت جاودان است
چون برای گورستان ایلامیان نهفته در شغاب هم دل سوزاندی...
نامت ورد زبانهاست چون وقف خدمت به قشر آینده ساز کهن دیارت بودی...
نامت پر آوازه است چون سنگ صبور مردمان پرتلاش شهرت بودی...
نامت پر افتخار است
چون حاضر نشدی فیلم اشکهایت در رسای خاک وطن در هنگام انتخابات پخش شود...
امروز بی اجازه تو ای استاد فرهیخته بخشی از فیلم را منتشر میکنم.منتشر میکنم تا شاید شرمسار شوند بیگانگان به این خاک...
چون دلم گرفته، بشدت دلگیرم،از دست همانهایی که تو دلگیری...
استاد داریوش پوربهی عزیز
نامت ماندگار راهت پردامنه یادت گرامی

چه کوچ نابهنگامی!

غلامرضا حاجی نژاد- رئیس اسبق اداره آموزش و پرورش شهرستان بوشهر

خبر درگذشت دوست ارجمندم داریوش پوربهی را شنیدم، باورش برایم سخت بود!

چند لحظه ای مانده بودم که آن را باور کنم یا نه...

معمولاً در چنین مواقعی گیج می شوم.

دوست دارم که خواب باشم و این چنین خبرهایی را خواب ببینم.



ولی متاسفانه، تکرار این خبر، در گروه های واتساپی دیگر، نشان از واقعیتی تلخ می داد.

دوست دیرینه ام، به دنیایی دیگر کوچ کرده بود و چه کوچ نابهنگامی!

چقدر غمگین و متاثر شدم؛ مانند کسی که فیلمی را درست متوجه نشده است، یا می خواهد دوباره فیلم را ببیند.

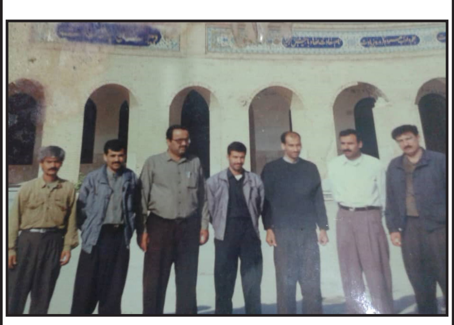
به گذشته بر می گردم ... هنگامی که می خواست برای ادامه تحصیل در رشته فیزیک به دانشگاه زاهدان برود؛ حکم مامور به تحصیل او را امضا کردم.

پرشور و علاقه مند بود.

نمایندگی دانشجویان اعزامی را به عهده داشت.

از مشکلات در زاهدان می گفت؛ او را تشویق و تهییج کردم؛ گفتم ما به شما نیاز داریم و از مشکلات نهراسید.

البته برای هموار شدن راهشان، الحق و الانصاف مرحوم داوری زاده و حاج احمد رزمی و آقای



صحرائیان استاندار وقت، سنگ تمام گذاشتند.

پس از اتمام تحصیلات، چند صباحی تدریس کرد.

کارش خوب بود و این پختگی و کارکشتگی، نشانی از خوب آموختن بود.

در آن هنگام، دبیرستان سعادت به مدیر نیاز داشت.

او را دعوت کردم و از او خواستم مدیریت دبیرستان را بپذیرد.

با لبخند همیشگی‌اش، بدون منت، پذیرفت.

توصیه ام به او مثل مدیران دیگر، سروسامان دادن به امور آموزشی و پرورشی، احترام به دبیران پیشکسوت، و به طور ویژه پیگیری ساخت ساختمان جدید در کنار ساختمان قدیمی، و سروسامان دادن به اسناد و موزه دبیرستان سعادت بود ... که انصافا از عهده همگی آن موارد به خوبی برآمد.

یکی از مشکلاتی که پیش از مدیریت مرحوم پوربهی، در دبیرستان سعادت داشتیم هنگامی بود که مهمانان خارج از استان از دبیرستان سعادت بازدید می کردند.

در چنین مواقعی، از جناب آقایان کنین، دکتر مشایخی، مرحوم نبوی و برخی از دبیران صاحب نظر دیگر درحکم راهنمای مهمانان استفاده می کردیم.

اما با مدیر شدن مرحوم پوربهی این مشکل حل شد. او با صدای رسا و آگاهی از تاریخ آن مجموعه قدیمی، زینت آرای مجلس می شد.

در خصوص احداث ساختمان جدید، مرحوم پوربهی با همکاری زنده یاد نادر صفوی از ستاد نوسازی مدارس و دیگر مسوولان استان، این امر را محقق ساخت.

ارتباط صمیمانه وی با دبیران و دانش آموزان و اولیای آنان زبانزد عام و خاص بود.

برگزاری اردوی مسافرتی به خارج از کشور و داخل کشور به همراه تمام دبیران در هر سال از کارهای ارزنده او به شمار می رود.

خوشبختانه مردم فهیم و حق شناس بوشهر، به پاس زحمات بی دریغش، دو بار وی را به عضویت شهر انتخاب کردند ... که البته همان طور که از چنین شخصیتی انتظار می رفت، در این کسوت نیز خدماتی ارزنده به همشهریان انجام داد که به جای خود ستودنی است.

همان گونه که عملکرد ایشان در این زندگی دنیوی، مصداق بارز "باقیات الصالحات" است، بی شک با دعای خیر همگی، پژواک این اخلاق و کردار نیکو، جایگاه اخروی شایسته ای نصیب آن روانشاد می نماید. روحش شاد.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



رئیسی، برجام و دو مقوله دیگر

دکتر سعید معدنی



هفته گذشته دولت هشت ساله روحانی به پایان رسید و وی رئیس جمهور سابق شد. رئیس جمهوری که در یکی از بدترین شرایط تاریخی ایران این مسئولیت را به دوش کشید.
از خروج آمریکا از برجام تا ساقط شدن هواپیما اکراینی، بیماری مهلک همه‌گیری کرونا و... همه این ها در حالی رخ داد که ایران شدیدا تحت تحریم بی سابقه و ظالمانه آمریکا قرار گرفت تا آن جا که هر شرکت ریز و درشت دولتی و خصوصی در جهان حاضر نبودند با ایران ارتباط اقتصادی برقرار کنند و اگر این کار را می کردند، مشمول تحریم‌های کمرشکن آمریکا قرار می گرفتند. این تحریم‌ها آن قدر برای ایران سخت و سنگین بود که دولت ترامپ مطمئن بود ایران به پای میز مذاکره بر می گردد وحتی پمپئو وزیر امور خارجه وقت، یک لیست دوازده ماده‌ای تهیه کرده بود که با اجرای آن ایران به مستعمرات قرن نوزدهمی تحت سلطه آمریکا برمی‌گشت.
دولت روحانی در این شرایط دشوار ونفس‌گیر سکان اجرایی را به عهده داشت. توده مردم هم هرچه فریاد داشتند بر سر روحانی و دولتش می کشیدند و سایر افراد و نهادهایی که برجام دوران اوباما را با شکست مواجه کرده بودند و یا در این ناکامی‌ها شریک بودند را فراموش کردند.
بی شک ذکر این نکات تطهیر دولت روحانی از اشتباهاتش نیست، ولی چون نقد های منصفانه و غیر متصبانه بیشمار بر دولت روحانی نقل هر مجلس بوده از ذکر ضعف‌های این دولت فعلا در می گذریم و فقط همین را بگوییم با واگذاری دولت به رئیس جمهور جدید خوشحال‌ترین فرد در ایران به باور من احتمالا حسن روحانی است. زیرا واقعا در ۵- ۶ سال اخیر ایران یکی از دشوار ترین مراحل تاریخی خود را از سر گذراند و البته این مردم بودند که هزینه‌های زیادی پرداختند و لطمات زیادی دیدند که بخشی از آن غیر قابل جبران است.
اما از این موضوع بگذریم دولت ابراهیم رئیسی به باور من با سه موضوع مرتبط باهم مواجه است که برجام به آن دومقوله دیگر وابسته است. یکی ماجرای پیوستن به گروه اقدام مالی (fatf) و دیگری چگونگی تنظیم مناسبات با ایالات متحده آمریکاست. تجربه دوره ترامپ به ما نشان داد که واقعا آمریکا کدخدای اروپائیان و جهانیان است. بسیاری از ترس تحریم، از این کدخدا حساب می‌برند و این یکی تجربه‌های گرانبهای دوره دولت روحانی برای دولت های بعدی است.
درباره برجام می‌توان گفت در جریان تبلیغات ریاست جمهوری مشخص شد که بخشی از مهمترین حامیان کاندیداهای اصولگرا از جمله آقای رئیسی، مخالفان برجام هستند. لذا بازگشت به مذاکرات برجام وچگونگی برخورد با آن در هاله ای از ابهام قرار دارد. در صورت بازگشت، آن طور که از قرائن پیداست، بعید است که زود به توافق و تفاهم برسند. احتمالا ایران به شکل کج‌دار و مریز ادامه داده و فعلا زمان خواهد خرید. زیرا هر نوع توافقی در برجام، در ادامه مستلزم پیوستن به "گروه اقدام مالی"(fatf) خواهد بود.
نکته مهم و نهایی این است که ایران تنها کشور روی کره زمین است که با آمریکا ارتباط نداشته و سفارتخانه و سفیر و کاردار و حتی دفتری در کشورهای یکدیگر ندارند. تجربه دولت روحانی نشان داد که باید برای این موضوع هم چاره‌ای اندیشیده شود. زیرا این کشور قدرتمند، در سربزنگاه‌ها می‌تواند لطمات مهلک و جبران ناپذیر بر اقتصاد یک کشور وارد کند و برای دفع آن ها باید باج و امتیازات زیادی به سایر کشورهای قدرتمند و دارای حق وتو داد تا از ما در مجامع بین‌المللی حمایت کنند. تقریبا هیچ کشوری در کره زمین نیست که منافع آمریکا را به خطر بیاندازد و توسعه یافته باشد و یا سرانجام خوبی داشته باشد. از شوروی سابق گرفته تا کشورهای اروپای شرقی کمونیست،کره شمالی، کوبا، ونزوئلا و مانند آن. البته بدیهی است که همه کشورهایی که با آمریکا ارتباط دارند لزوما وضع خوبی ندارند. اما اگر کشوری پتانسیل پیشرفت داشته باشد می تواند با ارتباط درست با جهان توسعه یافته و صنعتی و ازجمله آمریکا به توسعه و رفاه دست یابد. مانند مالزی، سنگاپور، ویتنام، ژاپن، کره، ترکیه و ده‌ها کشور دیگر.
در نهایت می‌توان گفت: دولت رئیسی اگر می‌خواهد ایران را به مسیر رشد و توسعه برگرداند باید علاوه بر حل برجام ، پیوستن به fatf، به تنظیم مناسبات با ایالات متحده آمریکا هم بیاندیشد. در غیر این صورت کشور در وضعیت بلا تکلیف فعلی همچنان خواهد ماند.

خطر توتالیتری مجلس حداقلی برای جامعه حداکثری

دکتر سجاد بهزادی



- مجلس یازدهم را از آن جهت مجلس حداقلی می نامند که رکورد کمترین میزان مشارکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب را به نام خود ثبت کرده است. مردم تهران تنها ۲۲ درصد به نمایندگان خود رای دادند و حتی برخی راه یافتگان به مجلس یازدهم از تهران رای کمتر از ۷ درصد افراد واجد حق رای را دارند.
– این مجلس حداقلی که حالا بیش از یکسال از دوران چهار ساله نمایندگانش می گذرد بنظر می رسد عملکرد خود را بیشتر محدود به منافع جریان های اقلیتی جامعه کرده است ودر تازه ترین اقدام خود به اصل ۸۵ شدن طرح محدودیت شدید و یا به قول خودشان "صیانت از کاربران فضای مجازی" رای مثبت داد وخود را مقابل جامعه حداکثری فضای مجازی در ایران قرار داد.
– بر اساس تازه ترین نتایج نظرسنجی (ایسپا) نشان می دهد، بیش از ۷۳ درصد از جامعه بالای ۱۸ سال کشور، در حال حاضر از رسانه‌های اجتماعی استفاده می کنند. از این افراد ۶۴ درصد در پیام رسان واتساپ، ۴۵ درصد اینستاگرام و ۳۴ درصد تلگرام هستند وتنها ۴ درصد اعلام کردند از پیام‌رسان داخلی ایتا و یا سروش استفاده می کنند. این آمار به روشنی نشان می دهد مجلس حداقلی اصرار دارد با تمرکز قدرتی که در چنگ دارد خود را با هر هزینه ای مقابل جامعه حداکثری هدف قرار دهد و هر بار مصیبت ها و آسیب های تازه ای را برای طبقه های گوناگون جامعه خلق کند.
– تصویب قانون "ماری جوانا" در مجلس غرب و محدودیت شبکه های اجتماعی درمجلس ایران
– در جامعه شناسی جرم، وقتی که یک عمل غیر قانونی در جامعه نهادینه می شود دیگر شما نمی توانید با روش های محدود کننده همچنان به دنبال رفع جرم و جرم زدایی از آن باشید.مجلس و مجریان کانادایی و بسیاری از کشورهای اروپایی وایالت های مختلف در آمریکا وقتی دیدند علیرغم جرم بودن مواد مخدر "ماری جوآنا" در کشور؛ اما هم چنان در سطح وسیعی از جامعه مورد استفاده قرار می گیرد مصرف آن را قانونی و آزاد کردند. در واقع کانادا، دومین کشور جهان پس از اروگوئه شد که مجلس این کشور قانونی بودن فروش و مصرف ماری‌جوآنا را آزاد اعلام کرد وپس از آن بسیاری از کشورهای دیگر جهان نیز از کانادا الگو گرفتند.
– ارتباط این مسئله با استفاده حداکثری جامعه ایران از شبکه های اجتماعی نیز بسیار معنادار است. وقتی بر اساس نتایج نظرسنجی (ایسپا) نشان می دهد، بیش از ۷۳درصد از جامعه بالای ۱۸ سال کشور، در حال حاضر از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و این رسانه ها هنوز صورت قانونی در کشور ندارد، به نوعی می توان گفت یک عمل غیر قانونی در کشور نهادینه شده است.
– چرا به جای مقاومت در برابر جامعه حداکثری، به دنبال محدودیت شدید و حذف این شبکه ها هستید؟ آیا قامت فکری نمایندگان مجلس ما به قدری است که نمی دانند که نمی شود در برابر یک امری نهادینه شده در جامعه اینگونه برخورد غیر علمی و کارشناسی داشت؟یک مجلس حداکثری که نمایندگانش دارای عمق اندیشی و تدبیر بیشتری بود نه تنها شبکه های اجتماعی را محدود نمی کرد بلکه آزاد کردن روان وآسان همه آنها را در دستور کار قرار می داد و فیلترها را هم بر می داشت.
– خلق مافیایی تازه به دنبال طرح جدید مجلس انقلابی
– در کانادا قبل از این که استفاده از ماری جوآنا به قانون تبدیل شود، به طور سالیانه سه میلیارد دلار صرف مقابله با مصرف ماری‌جوآنا وقاچاق آن می‌شد. هر کالای قاچاق، مافیایی در ذات خود پرورش می دهد وپولشویی ایجاد می شود و جنایت هایی در جامعه رخ می دهد که تنها مافیاها از آن سود می برند.
– غرب با قانونی کردن استفاده از این ماده مخدر، عرضه ی آن را در جامعه، دولتی و شفاف کرد. به جای پاک شدن صورت مسئله، فرهنگ‌سازی شد و تهیه این ماده از طریق قاچاق، یک کار ضدفرهنگ تلقی گردید. قوانین سختی هم بر خرید و فروش ماری‌جوآنا حاکم کرد ودر مجموع آسیب های استفاده از این ماده خطرناک را به حداقل رساند.
– مجلس انقلابی در مواجه با استفاده جامعه از شبکه های اجتماعی دقیقا مسیر برعکسی را طی می کند. این مجلس به جای آزادی کامل استفاده از این شبکه ها و فرهنگ سازی در جامعه، به دنبال محدودیت شدید بر آن است. با این کار خواسته و یا ناخواسته مافیای جدیدی خلق خواهد شد که به بهانه تقویت شبکه ها و فیلترشکن های بومی، بودجه این مملکت را به فنا خواهند داد ودر نهایت همان اتفاقی خواهد افتاد که قبل تر برای پیام رسان های داخلی افتاد. وام های کلان به برخی قدرت ها داده شد و در نهایت بر اساس نتایج نظرسنجی (ایسپا) تنها ۴ درصد مورد استقبال جامعه قرار گرفت.
– شبکه های اجتماعی در نقش یک عامل مزاحم
- اما چرا در همه جهان، قدرت های غیر دمکراتیک از رسانه ها وشبکه های اجتماعی ترس دارند وآن را عامل مزاحمی برای تمرکز قدرت خود می دانند؟پاسخ به این پرسش شاید یکی از دلایل اصلی اجرای طرح محدودیت ویا همان" صیانت از کاربران فضای مجازی" در مجلس ایران باشد و دیگر دلایلی که توسط برخی نمایندگان وپیروان ایدئولوژیک آن ها برای این امر برشمرده شده است همگی بهانه است.
– مجلس یازدهم در شرایطی قرار دارد که از ابتدا می دانست بر اساس آمار مشارکت کنندگان، نماینده جامعه حداقلی ایران است و توان و اراده پیگیری مطالبات حداکثری جامعه نیز ندارد.آن ها به جای جبران این خسران بزرگ وبی اعتمادی جامعه به خود؛ کار ساده تر را انتخاب کردند و با خلق مصیبت ها، آسیب ها و استرس های پیاپی به جامعه، هم می خواهد دست برتر حداقلی خود را به رخ جامعه حداکثری بکشد و هم عوامل مزاحم را از سر راه بردارد. برای این اقلیت هیچ عاملی مزاحم تر از شبکه ها و رسانه های اجتماعی نیست.
– وقتی یک نهاد قدرت استرس ها را بر پیکر جامعه بیش تر وبیش تر می کند، زندگی از حالت دشوار خود به وضعیت نابودی کشیده می شود. الگوی سیاسی جامعه بحرانی تر و توتالیتاریسم قد میکشد و در سایه آن هر اتفاقی محتمل خواهد شد.
–به گفته هانا آرنت "استبداد یک صورت سیاسی است که شبیه به برهوت است و واجد شرایطی است که زندگی انسان را دشوار می‌کنند اما توتالیتاریسم یک طوفان شن است که همه زندگی را مدفون و جهان را خفه ، محو و نابود می‌کند." خیلی خطرناک است اگر جامعه احساس کند مجلس انقلابی چنین زمینه ای را برای کشور بحران زده ایران دامن می زند.آنگاه تاریخ هرگز این رویکرد را فراموش نخواهد کرد.

ده توصیه یک پزشک برای کمک به گذر از بحران موج فعلی کرونا

دکتر سیروس عباسی



این سخنان پزشکی است که از فاجعه پاندمی کرونا حرف می زند !
۱- سیستم درمان کرونایی ما از فاز خستگی گذر کرده است و دارد وارد فاز درماندگی و واماندگی می شود.
۲- آمار مبتلایان و بستری ها و مرگ ها رو به فزونی است
۳- از هر کجا و هر شهر! با هر زبان و با استفاده از تمام رسانه هایتان بر سر مدیران مملکت فریاد بزنید: واکسن واکسن واکسن... مطالبه عمومی ملی واکسن کرونا را تبدیل به یک جریان آگاهانه کنیم.
۴- واکسن ها معجزه نمی کنند واکسن ها پیشگیری کامل نمی دهند ولی سطح ایمنی فردی و جمعی را بالا برده موجب کاهش آمار درگیری های شدید، مراجعه و بستری و مرگ خواهند شد
۵- هر نوع واکسن مورد تایید وزارت بهداشت ایران و سازمان جهانی بهداشت را که متناسب شرایط سنی و مدیکال به شما پیشنهاد شد بزنید.
۶- واکسن زده یا نزده ؛ کرونا گرفته یا نگرفته !!! همگی باید پروتکل ها را رعایت کنیم.
۷- خود مراقبتی و خودقرنطینگی را مراعات کنیم. تک تک افراد در قبال این وضع مسوولیم. به بهانه هایی از قبیل توزیع شربت؛ کنفرانس موفقیت یا اجتماعات مذهبی یا غیره موجب خسران انسانها نشویم... .
۸- در خانه بمانیم ... هیچ چیز نمیتواند بهانه شما برای حضور در ازدحام و اجتماعات باشد... تقاضا دارم به عقل و بینش خود رجوع کنید... مطمئنا سودش برای شما بیشتر از شنیدن آواز جاهلان و بدخواهان خواهد بود... .
۹- تغذیه و استراحت کافی و دوری از استرس؛ مصرف مکمل های مناسب با مشورت پزشک تان.
۱۰- پیگیری مطالب و گفته های متخصصان مربوطه و دانشمندان حوزه اپیدمی و ویروس فراموش نشود. در دنیای مجازی از هر دری که باز بود وارد نشوید!!! و هر سخن یا مطلبی را باور نکنید.
(تندرستی یار و همراه تان باد هموطن دانای من / امرداد ۴۰۰)

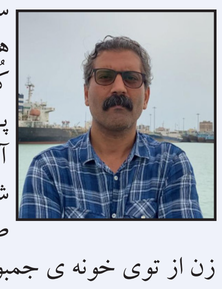
تبعیض درمان کرونا در بوشهر

رسول غریبی

آقایان مسئول در وزارت بهداشت
مدیران محترم بهداشت استان بوشهر
اول سپاس از جامعه فداکار وایثار گر پزشکی ودرمان ایران، زحمات آنان را ارج می نهیم، ولی اگر میخواهید بدانید چرا بیمارستان های بوشهر ظرفیت ندارد یکی از مشکلات اساسی تبعیضی است که قطعا با خط و ربط خود شما وجود دارد .
چرا در تهران دکترهای متخصص حتی اگر سایه ای از نفوذ کرونا در ریه مشاهده شود به مریض با آزادی عمل، آمپول رمدرسیویر تجویز و نسخه صادر میکنند تا کار به جای سخت تر نکشد، اما در بوشهر این آمپول گروگان نظر حکم پزشکان متخصص است؟ برای مادر من در مرحله پوشش سایه ای ریه این آمپول را تجویز نکردند تا اثر کرونا به سی درصد ریه اش رسید و متاسفانه کار به بیمارستان کشید واویلا. واویلا آنجاهم با پارتی وگرنه هنوز زوده!
آیا این عدالت شماست در استان های محروم یا شما مدیران آن را محروم کرده اید؟

صدا

امیر حسام حق پرست



سرِ مغرب:
همه ی کُموترا رو داخل کُله فرستاد، ملافه ش پهن کرد و خیره به سقف آسمون دراز کشید.
شب!
صدای نی جفتیِ محمد نی زن از توی خونه ی جمبویی!
نی جفتی و صدای رازناکش که مثل همیشه در بزمِ طرب هم محزون و غمین هست!
تمام تنش خیس بود!
شرجی انگار نم نم بارون می اومد و با اشک های روی صورتش یکی می شد!
هیچ نسیمی نبود،هیچ!
هوا؛دَم!
آسمون هم خفه!
پارچ آبی با تکه یخی!
حالا صدایی شنیده نمی شد حتّا از قلبش!
پیچ رادیو را پیچاند؛
حفل ام کلثوم
رباعیات خّیام
کوکب الشرق
زلال و صاف، بدونِ خَش:
سمعت صوتاً هاتفاً فی السحر نادی من الغیب...
و صداهایی از داخل تابوت می شنید؛
هذا ما وعدنا الله و رسوله...

روزهای پرواز دوستانم

در فراق سه دوستم که در سه روز متوالی پر کشیدند

دکتر عبدالرحیم مهرور



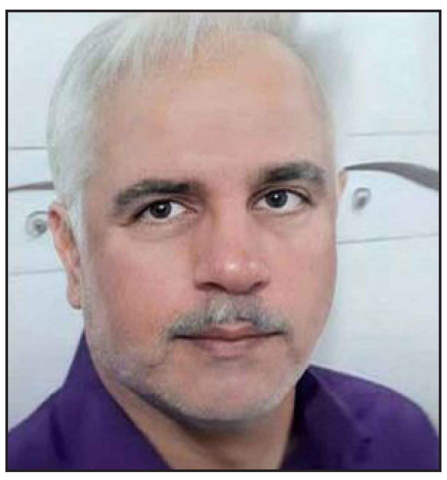
در این روزها همه جا بوی مرگ می دهد گویا مرگ چقدر آسان شده زیرا در طی سه روز متوالی سه دوست با وفا و با مرام را از دست دادیم .
اولین آن دکتر مرتضی نفیسی همکار قدیمی و فرهنگیمان که الحق والانصاف مرام بسیار نفیسی داشت سالها همپای همدیگر در درمانگاه فرهنگیان بوشهر با طبابت در خدمت فرهنگیان عزیز بودیم. انسان والا مقامی که آزارش به کسی نرسیده بود، با تبسم ها و لبخندهای بیکرانش همه را شیفته مرامش می نمود.
اصولا نگاهش به دنیا بدون عصبانیت بود، عظمت و بی ریایی در چهره اش موج می زد. خلاصه آن قدر در وصف و توصیف دکتر می توان سروده ها را سرود و درودها را درود که غریبانه در بیمارستان شهدای خلیج فارس به علت ابتلا به کرونا جان داد.
اما دو نفر دیگر که از هم بازیها و هم محلی های ما بودند و هر سه نفرمان با دیگر دوستان خاطرات زیادی از فقر و محرومیت ها در سبخ زارهای رنگارنگ گرمی و شرجی های بوشهر داشتیم. البته شیطنت هایی هم داشتیم که در قبل از انقلاب از فوتبال محله شکری هر سه محروم شدیم.
دومین وداع: ناخدا محمود محمودی که در حادثه رانندگی دار فانی را وداع کرد . ناخدا محمود هم انسان با شرفی بود. مردی ساکت، با مروت و دوست داشتنی از زمینهای خاکی فوتبال تا ماهی گیری با آن تشاله اش(کشتی چوبی کوچک) در قبل از انقلاب با هم به صید ماهی می رفتیم و سپس ناخدایش که خاطرات هیجان انگیزی از دریا و تلاطماتش سپری کردیم.
اما وداع سوم در روز سوم: ابراهیم شوشتری که تا هفته گذشته با هم در ارتباط بودیم. ابراهیم هم در طی دوران زندگی سختی های بیشماری پشت سر گذاشته بود و مرام عجیبی در ادب و معاشرت داشت زیرا با همه اهالی محل از بزرگ و کوچک می جوشید. کافی بود یک نفر از محل کسالتی داشته باشد همه دوستان را با خبر می کرد برای رفتن به عیادت بیمار، تا این که از چند سال قبل بر اثر بیماری دیابت و کبدی زمین گیر شد و این گونه دست تقدیر روزگار سه تن از رفقایم را از ما جدا کرد و قطعا فردا هم نوبت بنده حقیر می باشد. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

به یاد شهید سلامت دکتر مرتضی نفیسی

چیزی بین خانه و مدرسه

عبدالخالق ماجدی

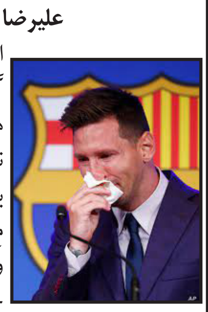
صبح شنبه ۱۶مرداد در بانک ملی برای انجام کار بانکی در سالن زیر خنکای کولر نشسته ام.
رییس شعبه، برادر یوسف هم کلاسی دبیرستانی ما است. یوسف اهل روستاهای نواره ساحلی بود و بخاطر مسافت پنجاه کیلومتری روستا تا شهر بوشهر،روزهای هفته خونه یکی از بستگانش می ماند و آخر هفته به روستا بر می گشت.
محمد صفری همکلاسی دیگه مون هم همین طور بود!
خودم هم یکی دو روز در هفته خونه خاله م سمنبر می ماندم. بقیه کلاسها از مدرسه تا خانه هایشان پیاده می رفتند و من در اتوبوس شهرداری همیشه وقتی به مسیر کوتاه اونا فکر می کردم غبطه می خوردم. کاریش نمی شد کرد !



ما باید چندبرابر اونا زحمت می کشیدیم. خیلی سخت بود ولی خداییش نسبت به چند دهه قبل تر از ما،شرایط ما بهشت بود. اونا خیلی بدبختی و مشقت کشیدند....
دکتر مرتضی نفیسی متخصص بیهوشی بیمارستان شهید گنجی برازجان که چند روز پیش بخاطر بیماری کرونا در دفاع از سلامت مردم، آسمانی شد یکی از اونا بود. پدر من سنگبر بود ولی شرایط من نسبت به مرتضی خیلی لاکچری بود.....
مرتضی پزشکی قبول شد و ما هم هرکدام یه جایی قبول شدیم و به یک راهی رفتیم....
دیروز دوستی داشت درباره مرتضی صحبت می کرد نمی دانست که من و مرتضی و یوسف و محمد، هم قصه هستیم.مرتضی آخر هفته ها بعضی اوقات می آمد خوابگاه ما ... .
نمی خواستم درباره مرتضی بنویسم ولی یک دفعه مثل همیشه چه نجیبانه وارد متن من شد. چه قدر مرتضی نجیب بود. خیلی ... .
دیروز جلو دوستم، جلوی گریه خودم گرفتم ولی الان در بانک، بغض چنددهه قبل نسل ما ... .
این بغض اگر این جا و این روزها بخاطر مرتضی ها شکسته نشود پس کی می خواهد برون ریخته شود؟!
وقتی مرتضی می آمد علی شیرکانی می گفت خالق مسخره بازی کمتر دربیار!
جلو مرتضی زشت هست ....
حتی در خندیدن هم نجیب بود چه برسد به این که موقع غذا خوردن ... . انگار همیشه روزه بود... .
به غیر از میرزا حسن رشدیه/موسس مدارس نوین ایران و پدران و مادران زحمتکش مان، مو و یوسف و مرتضی و محمد ها خیلی مدیون اونایی هستیم که کمک می کردند تا ما راحت تر تحصیل بکنیم.
این متن به خاطر قدردانی از اونایی بود که مثل فرزندان خودشان، ما را تر و خشک کردند.
اسم خاله م سمنبر بود!
یعنی بوی خوش و لطیف....
هنوز عطر مهربانی خاله ام در مشام دارم.

اشک های اِل کلاسیکویی تا برُج ایفل و دنیای مطبوعات!

علیرضا حق پرست



این روزها قلم،دوربین و گزارش های ورزشی همه و همه بعد از المپیک تنها یک نام و خبر را می شناسند؛ مِسی! با کمی تأمل در اخبار اَنتقال مِسی می توان گفت چه اتفاق و یا کدام مشخصه ها در حیات ورزشی می بایست رخ دهد تا این گونه اشک های تاریخی ترین اِل کلاسیکویی فوتبال که بلندای ایفل چشمش را گرفت، در جهان دیده و شنیده شود!؟
چه بسیار مردمان نه تنها در اسپانیا و کاتالون ها چه در جهان با فوتبالش خندیده، گریسته و زندگی کرده اند!
گزارش و اخبار مسی لحظه ای از چشم و گوش خبرنگاران پنهان نمی ماند تا بالاخره در شب رویایی پاریس پیراهن لئو رونمایی می شود!
اما سئوال و نکته اینجاست؛ آیا تنها فوتبالِ ستاره ی فوق حرفه ای چون مسی شکل اخبار جهَان را این گونه می سازد یا عواملی مانند باشگاهها و یا فوتبال متفاوت از تماشاگران تا نگاه جوامع و کشورها!؟
بی شک پاسخ می تواند همه ی موارد باشد.
در گذرگاه تاریخی فوتبال چه بسیار می بایست تا جوامع و ساَختار و جغرافیای فرهنگی شان را شناخت و مطالعه کرد!